

از آنجا بیرون آورده بخانه پدرش که احمد علی میرزا
مرحوم باشد فرستادند بدین علت سفیر نوبورسنا
بودت را که داشته ترضیه خود را با نوشته رسمی
باین شروط مربوط ساخت که اولاً عیال میرزا
از خانه پدرش آورده در دایره سفارت بست
میرزا ششم خان بسیار نایب میرزا ششم خان
اذن دهند که در شیراز شهیند رشود ثانیاً حضرت
ارفع اشرف صدر اعظم دولت علیه رسماً بفرمان
آمده عذرخواهی نماید انسانی دولت بملاحظه ناموس
سلطنت و حفظ شیوه دوستی و مساعدت قرار
دادند که عیال میرزا ششم خان را در هر جا و هر
محل که دلخواه او و غیر از دایره سفارت باشد بست
سپارند که در آنجا ممکن شود و در باب تکلیف ثانی
که خلاف عهد و شرط بود تعدیلی کرده تعهد نمودند که
منظور وزیر مختار را لیه توسعه معاشش است
اولیای این دولت بدون مداخله خارجی مبلغی برسوم
امروزه او علاوه کنند و بخصوص تکلیف ثالث که بغایت
شاق و خلاف بود و در این دولت ابداً سابقه نداشت
و امر عمده و عظمی مسم اتفاق نیفتاده بود که اینگونه
شاق مجوز گردد و معجزه با زامنای این دولت بجهت حفظ
دوستی و سلم و صفای چندین ساله دولتیست و البته
قرار دادند که این رضا جوئی و مهربانی را جناب وزیر
و و نجاهت بسیار سخاوت رفته بعلل آورد مستر می
ازین فقرات ترضیه راضی نشده در نهم شهر ربیع الاول
بیرق سفارت را خواها باید بعد از چند روز همانند

خواسته و به تبریز روانه شد حقیقت ماجری همین است
که بدون کم و زیاد در این روزنامه مذکور گشت
در این صورت البته هر ذی انصاف و بصیرت تصدیق
خواهد نمود که این امر جزئی قابل اینقدر کش نبود
سفیر نوبورسنا و بی آرامی کرد چون تازه وارد شده
بود و برسومات این مملکت بلدت نداشت و مدعیها
همیشه در لباس نیکو اسی محرک او و منتهم فرصت بود
این امر جزئی را عنوان اجرای مدعی خود ساخته
کار را باین درجه غلیظ کردند و الا اولیای دولت علیه
ایران در ملاحظه رسم مهمان نوازی و کمال رعایت
آن در حفظ عهد و شروط دول مجاریه بچگونه قصور
ندارند و از هیچ دولتی درین باب پاپس نمیکشند
بلکه بکمال کتاب منزل و اخبار بنی برسل علیه و آله
و الشنا حفظ عهد و راز جمله واجبات و نسبتاً کثیراً
درین باب تفویض دارند بقاد او قوایا لعمود آن العهد
کان سئولاً و المومنون عند شمر و طهم ایفا محمد را محترم
و عدم رعایت آنرا محترم میمانند اینکه در روزنامه
جمادی الاولی نوشته اند که قونسول دولت انگلیس را
پس از حرکت مستمری از طهران بیرون کرده اند و میرزا
ششم خان از اشخاص معتبر و مشهور ایرانت است او را از
عداوت و نفستانت از شغل خود معزول و جریمه کرده
اطاک و اموال او را ضبط نموده بسیار سخت است
با و رسانیده اند این فقرات بکلی خلاف و کذب محض
قونسول دولت مشارالیه با احترام تمام در دارالخلافه
متوقف و مشغول امر خود است و ابد در حق او خلاف

۱۷۰۹

توقیفی صادر نگشته است و بمیزان هشتم خان هم
 که حالت و کنت او بیش از آن نیست که در سابق ذکر شد
 و جای اضرار و آزار در باره او متصور نمی باشد و امثال
 او در ایران بسیار زیادند که جز و معارف شمرده
 میشوند چه و دیناری خسارت و اضراری نرسند
 و همیشه در سایه عنایت شاهانیت و کدگان ستم
 داشته است همچنین عیال او در ایس نبرده اند سهل
 حفظ ناموس او را لازم دهنده ناموس سلطنت میدانند
 و بسبب رعایت همین معنی بود که او را از دایره سفارت
 بیرون کرده روانه خانه پدر خود نمودند اکنون هم
 بحال التفات و انعام و احسان شاهانست و نیز در جریده
 مذکور مسطور کرده بودند که مابین دولتین ایران و انگلیس
 مشروط بود که موبان سفارتخانه با عیال و منتهج
 داخل حایت سفارت باشند جواب آن چنین است
 که دولت علیه ایران هیچوقت با هیچ دولتی اینگونه شرط
 و عهدهی نبسته و اینمقوله شرط را با اصول مملکت خود
 بغایت منافی میدانند باینکه اولیای این دولت
 تاثر و افسوس بنهایت از وقوع این نوع اتفاق دارند
 و همیشه استند که در رعایت شرایط عهد و شرط و محظ
 ر و ایجاب چندین ساله دولتین دقیقه نامرعی نگذارند و حتی
 انسانی دولت انگلیس را ایم راضی و خوشدل نگاه دارند
 و امید دارند این حرکات نابلدانه تغییر آینه جناب وزیر
 مختار را که بحرف مردم با عرض شده اولیای دولت
 انگلیس اسباب خلاف مودت بین دولتین میکنند و نظر
 انصاف ملاحظه نمایند

در هر طلی که روزنامهجات عابیه شریشوع یافته است
 تا ملی آن مملکت از اوضاع خارجه و از مراسم بصیرت
 که موجب رفقات است زیاد تراکاهی دارند و حتی
 سبجه انتشار و قایح و اکاهی عامه خلق بهتر از روزنامه
 اسبابی بصورنی آید و چون در این اوقات مراد
 ممالک ایران خواه با یکدیگر و خواه با ممالک خارجه روز
 بروز نشر و انتشار اخبار و استعلام خلق از وقایع انقیاد
 لازمتر است بر حسب استدهای اشخاصی که طالب
 احوالات غریبه هستند ملاحظه از دیار و ابططوا
 مختلفه و ترویج اطلاعات خارجه بخودشان اذن
 داده شد که در تفحص و انتشار اخبار غریبه باشند و
 چنانکه در اسلامبول هم جریده اشخاوت و رشورنا
 و گنتستان تینبیل و در پاریس روزنامه و با و غیره
 و در دول دیگر روزنامهجات عدهیده با سبهای
 با سبده میشود و در اختلاف طهران هم روزنامه مطبی
 با سبده شود آنچه اخبار در این روزنامه مطبی نوشته
 میشود خالی از دو قسم نخواهد بود یا اخبار است که در
 روزنامهجات دوله مسانره نوشته شده است و یا از
 روزنامهجات نقل باین روزنامه میشود مباشرت
 باید بنویسد که در فلان روزنامه اینطور نوشته شده
 که بعینها در این روزنامه نیز نوشته میشود و یا اخبار
 که مردم صورت مباشرت روزنامه خواهند داد اگر
 ضرری از برای استقلال و شان دولت علیه ندارد
 مباشرت روزنامه میتواند کیفیت را با سبده و اگر از
 برای استقلال و شان دولت علیه ضرری بنظر نمی آید

۱۷۱۰

مباشه روزنامه باید از باسجه کردن آن اجتناب

نمایه

اجبار دول خارجی

از قراریکه در روزنامهجات فرنگستان نوشته اند در ولایت متنه بناکه اشته اند که مثل لندن و

پاریس بعد از چهار سال دیگر یک عمارت بنا کنند از برای حصول اسباب قطع کارخانها

جمیع ولایات مثل اینکه در لندن و پاریس و سایر کدشته برپا نموده بودند لکن در ولایت سیار و سیاه

سیخه ایند این کار را زودتر بکنند و قرار کدشته اند که تا دو سال با انجام رسانند حساب کرده اند

عمارت مال التجاره که در پاریس برپا کرده بودند تقریباً ده گرو جمعیت بجهت شاه حاضر شده بود

دیگر نوشته اند که یک قصاب فرانسه کاوشی پرورده بود که بجهت عیدی برای پسرش که در قرقم

بود نهمصد و وزن کا و نوزده چهارصد و دواد من بوزن شیریزی بود هر چند مردم خواسته بودند

بهفتاد تومان بخرند قبول نکرده بکشتی گذاشت بجهت پسرش فرستاد

دیگر نوشته بودند که از مدت خجال تا حال انگلست انگلیس تقریباً بعد بجهت کرده و یکصد و پنجاه و دو

هزار تومان نقره بخارج فرستاد و همچنین کرده تومان طلا تخمیناً بخارج برده اند و از بندر بار

شهر و استه از سال قبل ازین تا این اوقات تقریباً دو و در تومان نقره و تخمیناً بیست و سه هزار

بطرف مملکت عثمانیه وقت

دیگر نوشته اند که اعلیحضرت سلطان دولت عثمانیه فرمان داده است که از رودخانه دنوب

نهر بزرگی بطوریکه کشتی بتواند ترود نماید حفر نموده و بجهت سیاه برسانند که کشتی از نهر مذکور به سیاه

عبور دهد و در نماید و نهر مذکور مستحق بجهتیه خواهد بود

دیگر نوشته اند که در کشتی که از هندوستان بلن رسید خبر آورده بود که در عزمه ماه ربیع الاول

اعشاشی در شهر خود میان مسلمانان و هندو اتفاق افتاده و بقدر بافند تمکین شده طایفه هندو

آمده بودند و رئیس مسلمانان نیز کشته شده بود

دیگر نوشته اند که دولت سار دنیا در مقرر حکومت خود بجهت مذکرات بعضی مواد مهمه یک مجلس بزرگ

مشورت قرار داده است که منعقد شود و از سفرها دولت مذکور که در دول سائره بوده اند و وجود

انها در مجلس مذکور لازم آمده است موقتاً احضار سایر دنیا شده اند از جمله جناب بابر و ن تقو

سفیر سار دنیا مقیم در اسلامبول نیز مجلس مذکور احضار کرده است سر کاتب سفیر مذکور بجای او در

اسلامبول وکیل نصب شده و سفیر مذکور بجای سار دنیا روانه گردیده است

دیگر نوشته بودند موجب اخباری که از کرج رسیده است لکن گاه کرج پنج سبت و از سفایین هاب انگلیس بعد

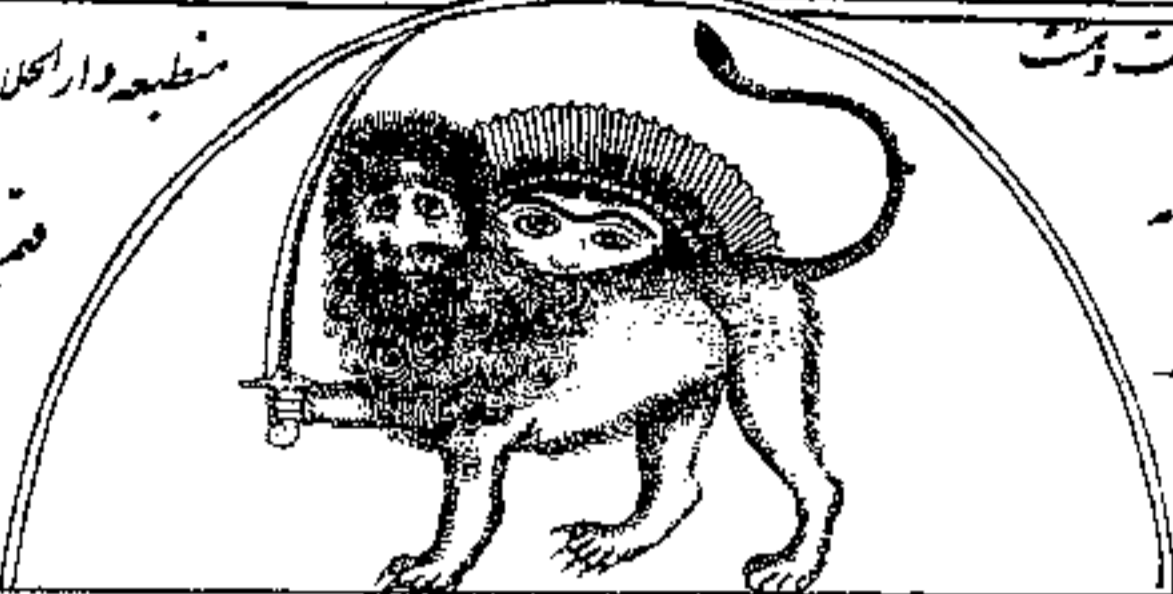
۱۷۱۱

تکستی در آنجا بوده اند و بیرون آمدن آنها بجهت
 پنج متعذر بود و در مدت اقامتشان در آنجا نیز
 کلیه لازم داشته اند لهذا بجهت تخلص آنها از آن کجا
 انگلیس یک کشتی بنجار با پنج فروند کشتی دیگر با آنجا ارسال
 شده و با اجزای صنایع عدیده و پنج را شکافتگیها
 مزبور را از آنجا بیرون آورده اند
 دیگر نوشته اند که بجهت تسهیل امور تجارتی از راههای
 صاعقه از غلطه تا بوسه بمجلس تجارت یک راه حرج
 صاعقه کشیده شده و از فرنگستان بجهت احدی
 اعلان کیفیت گردیده است
 دیگر نوشته اند که سیم حرج صاعقه که از دریا بجهت
 بقدم کشیده بودند باره شدن سیم مزبور در روز
 سابقه نوشته شده بود اما حال توسط مهندسی
 واره تا مسافت شش ساعت به تعمیر و تداوم
 ابتداء شده است
 دیگر نوشته اند که مابین دوین سار دنیا و طوتقا
 سابقا برودتی بسبب بعضی سباب حادث شده
 سفرای طرفین بولایات خودشان فرستاده بودند
 در این اوقات منازعه مزبوره بر طرف و مصافقا
 قدیمه کافی السابق برقرار شده سفرای جانبین باز
 باموریت خود در دست اند
 دیگر نوشته اند که در سنه هزار و شصت و پنجاه
 عیسوی در دریا ماصد و بیت و سه کشتی بنجار تجارتی
 غرق و شکسته شده و از اینها پنجاه و پنج کشتی از
 یکی دنیا و چهل و چهار از انگلیس و یازده از فرانس

و سیزده از دول سائره بوده اند و سواهی اینها
 از کشتیهای شرع دار هزار و نهصد و شصت و دو
 و شصت قطعه سفینه غرق شده بوده است
 دیگر نوشته اند که از سفاین بنجار سیکی دنیا سفینه وی
 نام از سواحل هندوستان با صل ما نیلار قه سخته
 عمل آوردن شکر و سایر کارها از انالی آنجا چهار صد
 هشتاد نفر عمل سفینه مزبورهای داده در چین حرکت
 کشتی کپیتان سفینه مزبور فحاشه فوت شده بیرون
 آوردن و دفن او اواخر شده اذن بیرون آوردن
 حاصل نگردیده و بخش کپیتان بدریا انداخته شده
 مابین انالی آن سفینه و عساکر باشی بوزوق منار
 اتفاق افتاده در میان آنها یکی طپا سنج در دست
 خالی گردیده اش به انباری که عمده های مزبور در آن
 آن بوده اند در گرفته و عساکر باشی بوزوق در اندک
 مدت دفع شده اند و از عمل داد و ستد خفه گردیده و
 باقی سلامت بیرون آمدنشان معلوم و بگذرده
 باشند و معلوم شده است
 دیگر نوشته اند که در طرف استان یک نوع مرغی
 عارض حیوانات گردیده و بسیاری از حیوانات
 انولایت باین مرض تلف گشته اند و اصحاب
 زراعت و تجارت هر چند سعی کرده اند تا حال علت
 این مرض را نفهمیده و دوائی کافی پیدا نکرده اند
 باین جهت در ورطه حیرت میباشند

۱۷۱۲

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه سیزدهم شهر ربیع الثانی سن ۱۲۸۲

منظومه دارالخلافه طهران		ماده حیات و قیمت و وقت
قیمت اعلانات		قیمت روزنامه
برخط رجحان		برخطه دیشامبر

اجبار و احسنه مالک محروسه پادشاهی

شاهنشاهی در قصر قاجار نواب مستطاب شاهزاده
 محترم والا تبار اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه
 طهران و توابع در انتظام امور دارالخلافه مبارکه کما
 مراقبت و موافقت را دارند و جناب نظام الملک
 شب و روز در باغ نظامیه توقف و مشغول رسیدگی
 محاسبات گذشته ولایات و بیوتات مبارکه
 دستور العمل سال جدید میباشد و مستوفیان عظام
 و سررشته داران و سایر ارباب قلم و صحاب کرام
 هر روزه در آنجا حاضر گردید و بانجام خدمات محوله
 بجز داد اتمام دارند و معرب انخاقان میرزا موسی وزیر
 طهران و سایر چاکران در بار حالون در انتظام امور
 دارالخلافه و انجام خدمات محوله بجز در نهایت مستقام
 دارند

چنانچه در روزنامه هفته گذشته سمت سحر ریاست
 بعد از آنکه جناب شرف ارفع محترم صدر عظم
 در مدرسه دارالعلوم اوقات صرف رسیدگی

دارالخلافه طهران
 در این اوقات که اعلیحضرت اقدس بایون
 شاهنشاهی خدایه ملکه و سلطان در قصر قاجار
 دارند هواکمال ملامت و قصر قاجار نهایت حرمت
 و صفا و زینت را دارد و بر وجود مبارک بسیار
 خوش گذرشته بعضی از روزها را بجهت خوبی هوا حضرت
 و اطراف مایل سواری و تفریح گردید و با طراف
 شریف فرامی شوند از جمله در روز جمعه هفته گذشته
 بیایع و او و متعلق جناب جلالت شاه شریف محترم
 صدر عظم که این روزها بسیار با صفا و زینت است
 شریف فرما گردید و لوازم پیشکش و پاندا زود و
 از جانب جناب معظم و متعلق ایشان بعلی آمد و بنابر
 در آنجا صرف فرموده و تا غروب آفتاب در آنجا
 شریف داشتند غروب آفتاب بقصر قاجار
 فرمودند

در این ایام شریف داشتن سرکار اقدس بایون

۱۷۱۳

تکلیفات متعلمین و تعهدات معلمان نمودند و در نتیجه تحصیل
 آنها را دادند و در روز شنبه گذشته اعلیحضرت
 قوی شوکت شاهی ادام الله ظل راقه علی مقام
 یک ساعت از ظهر گذشته تشریف فرمای مدرسین نور
 گردیده و سلام خاص منعقد شده از شانزده کلاس
 عظام و امر او عظام و صاحب منصبان نظام و
 مستوفیان و لشکرنویسان سلام حاضر شده و
 نشان و خلعت و احکام نظامی بر جمیع آنها در محضر
 پهلوان گذاشتند و برعلی باشا کرداد و صفای بعد
 صنف که از حضور پهلوان می گذاشتند اقول بر
 علمی را که آن علم تعلیم نموده بود و عرض می شد
 و تا با علم می را که بعد متعهد تعلیم بود و معروض می
 و در حضور خلعت پهلوان سرفراز می شد بعد از
 سرفراز آن علم با نعام و نشان سرفراز می شد بعد از
 شکر و ان آن علم فردا در حضور اقدس
 کرده تفصیل ترقی و تشریح هر یک عرض می شد پس
 ترقی بحسب مراتب معینه خود نشان و حکم اضافه
 مواجب خود را گرفته میگذراند و برخی که تکالیف
 نموده بودند در حضور اقدس حکم می شد که دو روز
 و اول باشند تا از خلعت آن توبه برنده تغافل و
 تکالیف توبه شوند پس بهین ترتیب جمیع معلمان و متعلمین
 از حضور اقدس گذشته و آنچه بر اولیای دولت
 علیه معلوم شد درین یکسان شاکردان مدرسین
 خوب ترقی کرده بودند چنانکه قریب چهل نفر شاکردان
 در تبه اول از هر صنف بودند که از قرار تقریر معلوم

تقدیر این باب امتحان بیسوی و منقصتی نه داشته چون
 بهمت بده اعلیحضرت قوی شوکت شاهی تقویت
 دولت علیه و تربیت طبقات انالی ایران مصر و هند
 و از جلوس مهمت مانوس پهلوان تاکنون روز
 در اصناف خلایق از ارباب صنایع و اصحاب
 بدایع و صاحبان سیف و قلم بلکه عموم رعایا و پادشاه
 ایران در هر مقامی و هر کجالی ترقیات کامله روی
 جماعتی از معلمان مالک فرنگستان را بدار اختلاف
 طردان احضار فرموده و قریب پنجاه است که جمعی از
 اهل دراک و استعداد و نجبای با خط و سواد در مدرسین
 مبارک که دار الفنون معین و تعلیم علوم مختلفه نظام و غیر نظام
 استقامت نام دارند و هر سال در مراتب علوم هر یک را
 امتحان نموده خلعت و انعام و رافت و اکرام تشویق و
 ترقیب میفرمایند امید است که بشا اقدس بعد از این
 کلی بجهت شاکردان مدرسین نور حاصل شود و روز
 ترویج صنایع و بدایع نظامیه و غیره بیشتر گردد و
 اگر لازم آید باز هم از فرنگستان معلمان قابل بیابند
 و تفصیل نشان و خلعت و انعام و اضافه مواجب
 حق اهل مدرسین و متعلمین و غیره مرحمت شده
 در روزنامه های آینده نوشته خواهد شد
 از آنجا که عالیجاه مقرب انجاقان چراغعلی خان در گفتن
 مقصرین بطامی و توبه مغتدین آنجا حسن خدمت و
 کفایت خود را بجلوه ظهور رسانده و در خاک پای اقدس
 پهلوان مستحسن و مقبول افتاد لهند اموازی یک قطعه نشان
 از مرتبه اول سیرسی و یک رشته حامل سرج و یک توبه حبه

۱۷۱۴

ترمه خلعت بجهت او مرحمت کردید

که دلیل آن حاصل داریزانی ولایت است

انواع قاهره نظام لوز توپچی و سواره نظام و سرباز
همه روزه بقاعده استمدار مشغول مشق و تیر اندازی
مباشند و صاحب مضیمان و معینین نهایت اهتمام
در مشق و انتظام امر آنها دارند در روز شنبه گذشته
بهمی در جلوه قصر جا حاضر شده و سرکار اقدس
بناویون شاهنشاهی بیان انواع قاهره تشریف آوردند
بصدور دو ساعت توپچی و سرباز مشغول مشق و تیر
اندازی بودند حرکات آنها مطبوع و مستحسن خاطر
ملوکانه افتاده مورد تحسین و تهنیت شدند

کمال خوشنودی را داشته اند
دیکر نوشته بودند که نواب اکبر میرزا نایب الملک
برود و این اوقات که آخر سال است محاسبات
مباشترین جزو رسیدگی کرده چون بجهت شست
برف و باران در او آخر سال یعنی اجارات
خوب کار کرده بود مستاجرین بطور عملت و مد
رفتار نموده بهر یک که خبری تحقیقی نیز لازم بوده
دادند که اسوده خاطر از عهد و منال دیوانی
برایند

اعلیحضرت اقدس بناویون شاهنشاهی که در قیصر
تشریف داشتند در روز یکشنبه از آنجا حرکت
فرموده سحری و اقبال حوالی غروب آفتاب در
بارک مبارک سلطانی و متعلقه تفتیش کردند

دیکر نوشته بودند که غالیچاه عبدالمدخان نایب
مختیاری و جالبق چون اسال از عهد و ادای
جمعی خود بخوبی برآمد نواب معزی الیه او را برود
احضار کردند و قرار شد که رعایا نیز آمده اگر
از او رضامندی دارند در سال جدید لوی بین

سایر ولایات

آذربایجان و استراباد و اسدباد
و اصفهان ازین ولایات درین بخت اخبار
نبود
بروجرد

حکومت محال مریوز و مروض شود
دیکر نوشته اند که انالی برود از علما و فضلا و
واعده بهمی در نهایت رفاه و آسودگی مشغول
خود و دعا کوفی ذات اقدس بناویون شایسته

از فرار یک در روزنامه بروجرد نوشته اند
اول ماه جمادی الثانی الی آخر ماه مریوز باره
زیاد در آن ولایت شده است خصوصاً در عشر آخر
ماه که ده شبانه روز متصل باران آمده اگرچه
خوابی زیاده و سخنانها و عمارات رسائده است
ولی صاحبان اطلاق و اهل زراعت از این معنی

مباشند و از اتهامات نواب اکبر میرزا کمال
انتظام در امور آن ولایت حاصل است
لبطام
از فرار یک در روزنامه لبطام نوشته اند غالیچاه
مقرب انخاقان چراغعلی خان که با آنجا وارد شده است
امورات آنجا را از هرجهه نظام کامل و آوده و

۱۷۱۵

و معتدین انولایت را خپسچ در روزنامه های
سابق نوشته شده است بمکی را بدست آورد
و تنبیه و سیاستی که لازم بوده است نموده از
حمد حسن نام میفانی که از جمله اشعار مشهور و شجره
مرکب قتل مرحوم عباسعلی خان حاکم سابق آنجا
شده بود بعد از ورود عالیجاه چرخعلی خان با
شارالیه فرار کرده بکنول پسته آباد رفته بود
فرستاده او را گرفته آوردند و در بهانجا که کتب
قتل شده بود حکم کرد او را بدین توپ گذاشته
ببرای خود رسانیدند

دیگر نوشته اند که میرزا صفر علی نام داروغه
بچند نفری تعصیر او بخت و شازوه تومان از آنها
مخلاف حساب گرفته بود مقرب انخاقان چرخعلی خان
بعد از استحضار فرستاده او را آوردند او را
وجهی که بخلاف حساب گرفته بود از او مسترد
و بصاحبانش تسلیم نموده و بعد او را بتبیه معقولی
کرده و از شغل داروعلی معزول نمود تا دیگری
مرکب خلا و حساب شود

دیگر نوشته اند که در محرم ماه جمادی الثانی
عالیجاه شارالیه سواره و پیاده عرب و عجم را
حاضر کرده و جهی که اولیای دولت علیه از باب
موجب آنها داده بودند بعد از سان بدست خود
تفریف بآنها تسلیم نموده پای طومار موجب را
عبر کردند و یکی شاکر بوده و میگفته اند که تا امروز
باب بطور موجب گرفته بودیم و در کمال خرسید

و و لکرمی سجدات خود مشغول گردیدند
و همچنین چند نفر از غلامان عرب و عجم را که مرحوم
عباسقلیان معزول و از آدمهای خود بجای آنها
برقرار کرده بود و عالیجاه شارالیه همان نوکر
قدیم را باز برقرار و موجب آنها را تا وقتی که
خدمت کرده بودند بآنها عاید نمود

دیگر نوشته اند که نوچیان متوقف آنجا را عالیجاه
شارالیه قرار داده است که همه روزه در میدان
حاضر و روزی دو ساعت مشغول مشق باشند و
اسبهای توپخانه را یکی یکی ملاحظه کرده چند ریس
از آنها که پیر و معیوب شده بودند قرار داد که
با بنای دولت علیه عرض نموده و اسبهای حایل
در عرض آنها رتیاع نماید

دیگر در باب تعمیر نامی آبادی صدر آباد یا نصرت آباد
از وجهی که جناب امجد اشرف ارفع صدر اعظم حاکم
سابق داده بودند و در نزد عالیجاه عبدالکریم بنک
بر او موجود بود دریافت کرده عالیجاه صاحب
و ملائی را مامور تمام تا کامیههای صدر آباد نمود
که ایشان در این اوقات بزودی انجام دادند
نقصانی در کار آنجا باقی نماند و عابرین و متردین
از جنه آب و آذوقه و منزل اسوده خاطر و دعاگو
دولت علیه باشند

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند
کمال است و فراغت سجدت الی و سکنه آنجا حاصل

۱۷۱۶

<p>حاصل است و مردم آنجا با کمال استواری بدعای دوام دولت قاهره اشتغال دارند</p>	<p>و به عا کوهی ذات آقدس بمایون اشتغال دارند و در غیاب نواب مستطاب شاهزاده والا بنام</p>
<p>فارس</p>	
<p>از قرار یک در روز نامه بندر ابوشهر نوشته اند امور آن ولایت از اتهامات عالیجاه میرزا حسن علی خان در یابیکی و حاکم ابوشهر در نهایت استقام و عموم سکنه و امالی آنجا در عین فراغت و استواری بدعای کوهی ذات آقدس بمایون شاهنشاهی اشتغال دارند و همچنین توپچی و سرباز متوقف آنجا در اینجا در نهایت حسن سلوک و معقولیت رفتار و امالی آنجا کمال رضامندی از آنها دارند</p>	<p>حسام السلطنه و امالی خراسان مقرب آنجا خان قوام در انتظام امور ولایت و رفاه حال رعیت نهایت مراقبت را بعمل می آورد و امالی آنجا از عالی و اولاد کمال رضامندی از حسن سلوک و رعیت داری عالیجاه مشارالیه دارند و هم چنین جناب مقرب آنجا خان مستولی باشی در خدمات سربکار فیض انام وقت و اهتمام زیاد دارد و بجهت ناتمامی دکالین و کار منعوق سربکار فیض انام که بعد از آمدن مقرب آنجا خان وزیر نظام و وقوع رستمان ناتمام مانده بود معماران را خواسته و بنا و عمل زیاد کجا انداخته در این اوقات شاهان دست تمام خواهد بود</p>
<p>و دیگر نوشته بودند در پنجم ماه جمادی الثانی در لوه بارندگی بسیار خوب ریاض شده بود بطوریکه آب باران جدید البینای آنجا تا نصفه پر آب شده و امالی آنجا ارین رسول رحمت الهی کمال شکر که اریا دارند</p>	<p>و دیگر نوشته بودند که در این اوقات مروی و حسنه آنچه لازم خدمتگذاریت بعمل می آورند و از قرار مذکور کار او را و کجیها بسیار پریشان است و برادر خان خوق را که بجای او در او رکنج حاکم شده بود طایفه بیوت ترکمان مقتول کرده و بالفعل بیوت بیجاغت او رکنجی فایق و عرصه را با آنها تنگ کرده اند</p>
<p>عراق</p>	
<p>از قرار یک در روز نامه عراق نوشته اند با یکی مقرب آنجا خان میرزا حسن خان حاکم آنجا را عبید سعید لوزوز فیروز شرفیابی خاکپای مایون اعلیحضرت شاهنشاهی بدر بار معدلت مدارک مایون آمده است کمال نظام و انضباط در آن ولایت</p>	<p>دیکر نوشته اند که ضحیفه در خارج شهر ابوشهر بسیار رفته بود آب بر وارد دیده بود و غشی در جاه افتاده در وازه بانان را اطلاع داده رفت لغش را از آن جاه که سه ذرع بیشتر عمق داشت بیرون آوردند معلوم شده بود که پیر همچو نام سربازها و ندی بود و مشارالیه سه روز بود که مفقود شده بود و ناخوسی صرع و غش هم داشته است رفتاری او گفته بودند که او یا در کن در یابیا در سرهای غش کرده افتاده هلاک شده است و مفقود شدن او را بر تنگ سم گفته</p>

۱۷۱۷

بودند بعد از آنکه بخش او را از چاه در آوردند
سیرینک گفتند گفت او را دفن کردند از قرار
مذکور و سر چاه بخش کرده افتاده بپاک شده است
و بعضی از عوام را اعتقاد این بوده است که اجنه
او را بچاه انداخته و بپاک کرده اند و بعلم عند

قسم

از قرار یک در روزنامه قسم نوشته اند امور قم
دساده در کمال استقامت و اعیانیت تمام در آن ولایت
حاصل است معرب انجاقان و ذوالفقار خان حاکم
قم دساده برای عید سعید سلطانی مدبر بار معتمد
بمایون حاضر شده است لکن موافق قرار یک داده است
مردم همه آسوده و ولایت در کمال اعیانیت است

کاشان و کردستان ازین ولایات
نیز در این هفته اخباری رسیده است

گروس

از قرار یک در روزنامه گروس نوشته اند
اعیانیت و استقامت در امور آن ولایت حاصل است
و در این اوقات بارانهای نافع بسیار خوب
با آن ولایت آمده و زراعت کاران و صاحبان
املاک از این معنی بسیار شاکر و مشغوف بوده اند
عالیجاه مجد سیراد زین العابدین خان حاکم گروس
خود در این اوقات برای عید سعید سلطانی مدبر
بمایون حاضر شده ولی عالیجاه علیرضا خان سپرد
در استقامت امور ولایت و انجام خدمات دیوانی
اهتمام ریا و دارد و وجه شاهی اشرفی را تماماً

۱۷۱۸

سر انجام کرده و روانه در بار معدلت مدارک
مؤدبه است

کرمانشاهان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند
عمادالدوله حکمران کرمانشاهان نهایت اعیانیت
در استقامت امور ولایت و رفاه حال نوکر و رعیت
وارد توپچیان سابق را که ساخلو آنجا بودند مقرب
داشتند حاضر باش کرده موجب یکله آنها را
آنچه باقی مانده بود تمام و کمال بانها رسانیدند و
توپچیان تازه که از دربار بمایون مأمور آنجا شده بودند
باسه عرآده توپ دیک عرآده چهاره وارد آنجا کردند
نواب معزی الیه از اهل نظام و غیره باستقبال آنها فرستادند
با نهایت اعزاز و احترام آنها را وارد کرده اند

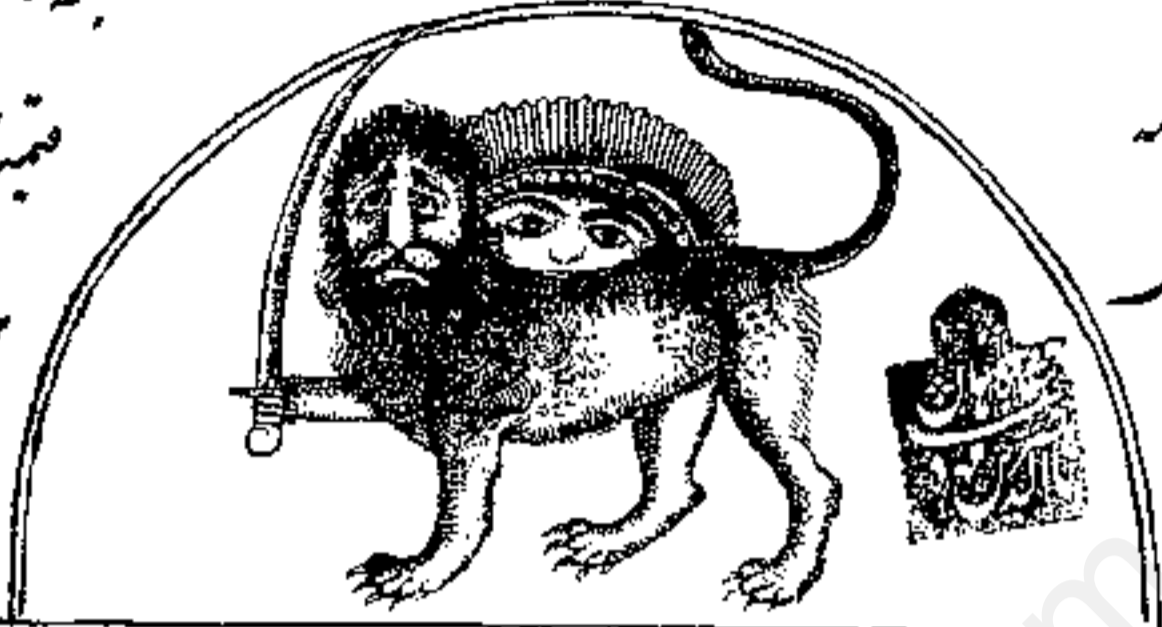
کرمان

از قرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند امیر الامراء العظام
بعد از ورود بان ولایت با کمال معقولیت و بزرگ عشق با اهل
آنجا رفتار نموده و بعضی از علماء و اعراف ولایت را که بازنده
لازم داشته اند باز دید نموده و امانی آن ولایت کمال تکلیف
ارخص سلوک او دارند

میرد

از قرار یک در روزنامه میرد نوشته اند مقرب انجاقان محمدی
وجه شاهی اشرفی عیدکی را روانه در بار بمایون نموده و خود نیز
تعلل مکان نجارچ شهر کرده عازم در بار بمایون بوده است
از دول خارجه اخبار بود ولی مناسب این روزها چیزی نبود

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم پنجشنبه بیستم شهر حرم مطهر سال الوی ۱۲۷۲

مهره پست و مستانه		مستطبه دارالخلافه طهران
قیمت روزنامه		قیمت اعلانات
هر نسخه ده شاهر		هر خطری شاهر

اجبار و خنده مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

یکی از رسوم متداوله دولت علییه ایران که از عهد قاجاریه و از زمان سالفه الی الان معمول و مقرر بوده است تدارک و تهیه جشن نوروز و عید فیر و سلطانی است که لوازم آنرا بطوریکه شالیسه دین و دولت و سواد ملک و ملت است بجل آوردن از حسن اتفاقات یاد درین سال فخرده فال که عید سعید نوروزی یعنی تحویل آفتاب برج حمل مطابق بود بار و پنجشنبه ۱۳ شهر حرم المطهر که عید ولادت با سعادت حضرت امیر المومنین و امام المتقین صلوات الله وسلامه علیه که از اعظم اعیان مومنین و اشرف آیام است لهذا علیحضرت اقدس سجا یون شایسته ایستادگی و ابده بلکه همیشه این تصادف عیدین و اقتران عیدین که در روزگار سلاطین سلف کمتر شرف و وقوع یافته

بغال نیک گرفته و آزادلیل ریادتی سعادت و دولت و اقبال و استه بزمی انجام تدارک و تهیه لازمه عیدین سعیدین امر فرمودند از آنجا که شب معین مزبور را که شب دو عید معظم محترم بود جمعی از محترمین شاهزادگان عظام را با اقتضای عواطف ملوکانه و تقدمات خستروانه بیایغ عمارت سلطنتی اعلام دعوت و غذای شب را با حضور ایشان مقرر داشته حکم بالتشازی و چراغان در منظرهای یون ملوکانه برای شکون عید و تفریح خاطر اقدس فرمودند و فرادای انشب اولاً قبل از ظهر سلام مخصوصی بجهت تهیت عید مولود حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه علیه العقاد دادند اجرای شلیک توپ و ریزش و سایر لوازم عید بطور شالیسه بجل آمده و تسکام تحویل آفتاب برج حمل که شش ساعت و پنجاه و چهار

۱۷۱۹

و قیقه گذشته از روز پنجشنبه بود بکاخ هایون
 که از بدو دولت قوی شوکت قاچاریه محل سلام
 خاص تحویل است و سلاطین ماضی انارالد برایشم
 در مجالس خاص تحویل سال جدید آن کاخ فیروز را
 میمون و مبارک یافته اند تشریف فرما شده از آنجا
 علمای اسلام و شاهزادگان عظام و ائمه و امرای
 و دربار سپهراحتشام و خواص چاکران ارادت فرجام
 کسانی که بطرز مالوف بر حسب دعوت خاص قبل از
 در ساحت قصر هایون و میان باغ سلطانی در
 منظر مبارک بسک سلام مشکک شده بودند
 از سعادت زیارت وجود فایض انجود اقدس
 اعلی بهره یاب و مباحی گشته دعای و آن کثیر الکاف
 مبارک را تقدیم رسانیدند اکثر فرمایات ^{علیه}
 شاهنشاهی در آن سلام خاص الطهارات نسبت
 بنجاب اشرف امجدار رفع صدر عظم و خشنودی
 خاطر هایون از خدمات کلّیه و عمده ایشان بود بعد
 تعداد خدمات و کفایتهای جناب صدارت آداب
 اظهار عطف نسبت بعلماء و فرق و فضلا و خلوص
 عقیدت ایشان در خیر خواهی دولت و دعا کوئی
 ذات خجسته صفات هایون فرموده و جناب اشرف
 امجدار رفع لوازم توصیف و تجلیل را از علمای دین
 در موقف هایون بجل آوردند و بعد از ساعت تحویل
 چنانکه رسم این سلطنت سنیه و قانون این
 علیه است بهت مبارک بابل حضور و سلام ^{صنفت}
 علماء و شاهزادگان و ائمه و غیرهم الا مثل ^{صنفت}

بهر یک انعام شاهی و اشرفی عبیدی مرحمت فرمودند
 و فرمای آنروز که روز جمعه ۱۴ بود بار سلام عام
 داده بدیوانخانه بزرگ و تالار تخت مرمر تشریف
 فرما شده برابر یک سلطنت عظمی قرار گرفتند و فرمایات
 مرحمت آمیز خطاب بنجاب اشرف ارفع القاف
 و در ضمن همان خطابات شانانه نسبت بکل چاکران
 و دربار هایون و تمامی اهل مملکت اعم از سپاهی و
 نوادشهای تهنیتی فرموده حکم شلیک توپ و زنگ
 فرمودند بعد از اختتام شلیک عالیجاه خطیب شاهی
 خطبه در کمال بلاغت ادا کرده و همچنین عالیجاه ^{محمد علیخان}
 شمس الشعر اقصیده و در غایت فصاحت بوقصد عرض
 هایون رسانیده و سلام عام در کمال آراستگی
 رسید بعد از آن بیالاحانه معروفت بسر در نصف
 فرمادند که سایر اهل مملکت که در میدان بزرگ
 در باری جمع شده بودند از زیارت ذات اقدس
 فیض یاب و مسرور و ممتحن گردند و لوازم عطیات و
 صلوات را بابل حوائج مستحقین برسانند و بقرار
 هر ساله درین چند روزه عموم نوکران از در خانه
 مرخص اند که بید و باز دید یکدیگر مشغول باشند
 چون جناب جلالت آداب اشرف امجدار رفع صدر ^{عظم}
 از روزیکه صدارت عظمی را بشخص ذات عظیم ^{نظم}
 خود آرایش فروده و بمقتل تدابیر صایب رنگ
 که درت از آیین ملک و مکت زدوده اند در هر
 از انات ارادت و جانسوزی و هر کدام از اوقات

<p>شبان روزی مصدر کفایتی بی نهایت بود و منظر خدمتی فزون از حد و غایت آمده اند و از آنجا که مرت ضمیر پاک خاقان و صفی خاطر تا پاک جهان آرای سردار علیحضرت قوی شوکت شاه شاه دین پناه خداوند ملک و سلطان محفل شود خدمات حسیح جلال ارادتشان و بندگان صداقت بنیان است باقتضای مکارم سروان و مراسم خدیوانه هر وقتی بناسبتی و هر زمانی بعبطیت و رتبتی بیاد خدمت و سزای نجات ایشان انظار پادشاهان و معطوف فرموده اند و سخن مقتضای آنکه ضمیر نیرنگ و ملوک مهبط الهامات غیبیه الهی و محط حکمتهای نامتناهی این معنی را کما یجبی گفته و درست باین کمال عقل و حکمت کار فرموده اند زیرا که ما دام که در مقابل جناب رحمات لاکھیتی حسین موافق کماله العطا شدن بناسبت رحمت و معاسات مشتعل است که در بقای وجود و استقامت حیوة شخص جامی هر نوع تشکیک و تردید باین ملاحظه و محض تفضلات ملوک جناب ایشان را با انواع صلاوات عظیمه و عطیات جسمیه که سر او را عظمت شوکت جهان پادشاه اعظم عتوف پهنین وزیر بی نظیر صدق محفوف با نواخته اند و جناب ایشان را در جبهه فرجامیدوار و مشغوف ساخته اند چون از آیات رحمت و انواع دلایل مکرمت اعم از نشان و امیرنومانی و امیرنویانی و تصویرهایون در جبه اول و لقب التمس و عصای مکمل و شراب بر صغیر شمشیر محبوب و کتیر بسیارین قیمتی ساعت مکمل بالماس و خلایع</p>	<p>فاخره دیگر نسبت بجناب صدر عظمی در بیخ نغمه بودند و خوش استند که در این زمان معید عبد نور و سلطان نیز عطیه بزرگی در خور خدمات بزرگ جناب ایشان که نماز و اقبال تمام داشته باشد میزدول فرموده باشند لهذا یک قطعه قلمدان مکمل بالماس بسیارین ممتاز که اصلیشان و علامت بزرگ شخص اولی و صدقات ایران بود با بلاغ مقرب انخاقان حاجب الدوله صبح روز عید برای جناب ایشان فرستادند و در مشارایه در مجلسی که ابلاغ رحمت عظمی نمود الفاظ در ملوکانه را که حضورا با و القا شده بود لغفا بلفظ در حالی که جمعی از احبب امرای درباری و وجوه امیر حضرت شهبازی و سران سپاه و صاحب منصبان بزرگ معتبر در محض صدقات عظمی حضور داشته اینطور تبلیغ کرد که جناب صدر اعظم تا اکنون پایه خدمت را بجای بند گذاشت و محض ارادت و وفاداری بر سوارترین سختیها و در راه خدمت ماتن دادند خاطر بایون ما را بجان حمزید و آسایش خود را در بر ماد است اگر التفات بایون بی نهایت بود خدمت صدر عظم هم فوق طاقت بود از مراتب کفایتها بزرگ صدر اعظم انتظار آرزو داریم که تا سال دیگر از اثر مداد این قلمدان آثار بسیار عمده در دولت ما ظاهر شود و امر و احکامی که باعث آبادی مملکت رفاه رعیت و انتظام لشکر و امیدواری کل طبقات لوگو و حصول فایده های کلی بجهت دین و دولت ملک و ملت باشد جاری گردد و سال دیگر شاهد دلیل التفات</p>
--	--

۱۷۲۱

ازین بزرگتر محنت خواهد شد کُل حضار مجلس و سایر
 امالی مملکت ازین نوع مراسم پادشاهانه و آثار عالی
 و قرار و اتنی سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی کمال شکر
 و امتنان و امید واری حاصل نموند

چون در روز عید فروز سلطانی امیرالامرا العظام
 محمد ناصر خان ایشیک آقاسی باشی مجالس حضور مبارک
 ترتیب شایسته خوب داده و خدمت استحسن و
 مطبوع خاطر اقدس هایون سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی
 افتاده بود لهذا بجهت ظهور عنایت ملوکانه یک لوب
 جبه ترمه کشمیری از ملبوس خانه خاص مبارک الیه
 رحمت فرمودند که سبب مزید مغایرت و مباد
 خود و استعیش ایشان بپوشش ملوکانه اقدام نماید

عالیجاه نتیجه انخوانین العظام عبدالعلی خان ادیب الملک
 در روز پنجشنبه قضیده غزا که مشتمل بر تبریک عیدین
 سعیدین بود برشته نظم کشیده بعرض حضور مبارک
 رسانید لهذا مورد التفات سرکار اقدس هایون
 شاهنشاهی آمد یک لوب جبه ترمه کشمیری باو
 خلعت مرحمت فرمودند

تشان و خلعت و انعامات و اضافات مواجب در
 حق معلمین و معلمات مدرسه دارالفنون که در روز تاجها
 سابق اجمالاً نوشته شده بود درین روزنامه مفصلاً
 مسطور میگردد

چون امیرالامرا العظام سردار کل عکرمضوره
 امر مدرسه مزبور که اهم امور نظامی است اغلب اوقات

رسیدگی تمام نموده بود لهذا یک قطعه نشان طلا
 که از مخصوصات مدرسه است از جانب سنی بخوا
 ملوکانه باو مرحمت شد

عمده الامرا العظام محمد خان امیر تومان نیز که در نظام
 مدرسه مزبور اهتمام نموده بود با عطای یک قطعه
 طلا که از مخصوصات مدرسه مزبور است سرافراز
 و عالیجاه رضا قلیخان ناظم دارالفنون نیز نظر
 مجاسن خدمات او یک لوب جبه ترمه کرمانی اعلی مرتبت
 گردید و عالیجاه میرزا یوسف مستوفی دارالفنون چون
 شغل شکر نویسی بجهت او انسب بود بموجب فرمان
 لمعان مبارک منصب شکر نویسی دیوان اعلی مرتبت
 و یک لوب جبه کرمانی باو خلعت مرحمت کرد

عالیجاه موسیو بوبلر معلم علم هندسه که مراتب نهد آ
 او در سنه ماضیه در حضور مبارک عرض شد در ترتیب
 و تعلیم شاگردان خود سعی و اهتمام نموده بود مستحق
 آمده یک طاقه شال ترمه باو خلعت مرحمت شد و چون
 زمان تجیل شاگردان خود را در مدت چهار سال معین
 کرده بود در این یکسال یک طاقه از علوم مستعد خود را
 بنا گردان خود تعلیم نموده است و محمد داماد معتمد

میدارد که تا آخر چهار سال از عمده نعمتات خود بوجه
 اکمل برمی آید و بموجب لعمده سنه ماضیه آنچه از علم
 و حساب و علم مثلثات و غیره را که بنا گردان خود
 مدرس کرده و تا آخر سال خواهد کرد ترجمه نموده و
 با سینه خانه داده است و مشغول با سینه کردن آن
 هستند و اسمی شاگردان او با تعیین مراتب و تسخیر نشان

۱۷۲۲

و اضافه موجب انعام بدین تفصیل است

اجازت موجب اول
الذمنا طلب
مطلبا نقره
مطلبا نقره
مطلبا نقره

مرتب اول

لعل

عبد الرسول خان صاحب نشان مس بود در این امتحان که امتحان ثانی اوست چون ترقی کرده بود مستحق نشان ^{مطلبا} شد و پنجاه تومان برد و بیست تومان موجب سابق او افزوده

جعفر قلیخان ولد عالیچاه رضا قلیخان ناظم دارالفنون صاحب نشان مس بود در این امتحان که امتحان دوم اوست مستحق نشان ^{مطلبا} شده و بیست تومان انعام در حق او مرحمت گردید

میرزا احمدی قائمی صاحب نشان نقره بود چون در این امتحان که امتحان سیم اوست ترقی کرده بود مستحق القائی شده و بهمان صد تومان موجب نشان نقره باقی

میرزا احمدی ولد میرزا کاظم بر و جردی صاحب نشان بود چون در این امتحان که امتحان دوم اوست چون ترقی کرده بود مستحق نشان نقره شد و سی و شش تومان بر او ^{مطلبا} تومان موجب او افزوده شد

میرزا اسمعیل برادر میرزا یوسف لشکر نویس در امتحان ثانی مرخص بود در این امتحان مرتبه اول است و مستحق نشان نقره شده و ده تومان انعام در حق او مرحمت گردید

میرزا علی اکبر شیخ ازی برادر مرحوم میرزا حسن محمد حسن از امتحان اول صاحب نشان مس بود در امتحان ثانی بشیر از رفته حاضر بود در این امتحان که امتحان دوم اوست مستحق نشان نقره شده و ده تومان بر سی تومان

موجب سابق او افزوده گردید نشان ^{مطلبا} میرزا نصر الله ولد مرحوم میرزا کوچک لوزی صاحب مس بود مستحق نشان نقره گردید و بیست تومان بر سیست تومان موجب سابق او افزوده شد

میرزا عباس خان ولد عالیچاه میرزا رضای محمد حسن در امتحان اول صاحب نشان مس بود در امتحان ثانی چون ترقی کرده بود و در حضور مبارک نشان او گرفته شد در این امتحان ترقی کرده مستحق نشان مس گردید و ده تومان بر سی تومان موجب سابق او افزوده شد

عباس قلیخان برادر قاسمخان صاحب صاحب نشان بود در این امتحان چون خوب ترقی کرده بود مستحق نشان نقره گردید و بهمان صد تومان بر دوازده تومان موجب سابق او افزوده شد

محمد میرزا ولد مرحوم محمود میرزا صاحب نشان بود در این امتحان مستحق نشان مس گردید و ده تومان بر سی تومان موجب سابق او افزوده شد

رضا خان ولد عالیخان شایخ بیک صاحب نشان بود در این امتحان مستحق نشان مس شد و سیست تومان بر بیست و چهار تومان موجب سابق او افزوده شد

تفصیل باقی این اشاکردان و بر مشایخ دارالفنون در پیوسته میشود

سایر ولایات

اور با بجان ازین ولایت درین مهله اخباری

استرآباد

از فراری که در روزنامه استرآباد نوشته اند از

اهتمامات مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلیخانلی امور

انولایت از هر جهت فرین کمال انتظام و انضباط است

و در باب انتظام شهر و بلوکات نهایت رسیدگی

دارد و کسی حرکتی بخلاف حساب در هیچ باب نمیشود

بگذارد جمله امر عقد و نکاح سابقا اعتشاشی داشته

و دختر بی اذن و اجازت والدین میرفته و بعهده

میجو استدرعی آمده است درین باب قدغن شده

که امر عقد و نکاح با استحضار والدین و کسان دختر

باشد و چمنین اجرائی صبیغه عقد در حضور یکی از مشایخ

علمای باشد و قبالة اورا جمعی از حضار مجلس مہر نماید

و چمنین در باب طلاق نیز سابقا اعتشاشی بود

درین خصوص نیز قدغن شده است که طرفین در محضر

حاکم شرع حاضر شده شخص معقولی را و کمال نمایند

بعد از اجرائی صبیغه طلاق در حضور عدول طلاقنامه

نوشته و مهور و معتبر نموده بدست زوج بدهند

که سند او باشد و همچنین در باب فرودن سابقا

دایم الاوقات بسبب اینکه مشکلات را معتبر میکردند

بلکه اغلب مقدمات تک نبوده اند در محضر علمای اولیاد

و مطالبات بوده است درین باب نیز قدغن شده است

که بدون تک شرعی معاطله نمایند بدون محبت

نوشته و مہر نموده بمهر دیوانخانه یا مہر حاکم شرع

نامه محکم رسانند معتبر نموده تسلیم صاحب بخوانند

نمایند و بعد ازین اگر کسی بدون تک ادعای طلب کند

کسی نماید ادعای او غیر مسموع بلکه مورد توبیخ و مواخذ

نیز خواهد بود

دیگر در باب بارها کولات که در استرآباد می شود

سابقا بعضی اشخاص با استقبال بار رفته در خارج

شهر اقباع کرده و بهر قسمی که میخواسته اند در شهر

میرفته اند و این معنی سبب شکایت و خسارت کسان

فقیر کم بصاعت بود مقرر شد که بعد ازین احدی بجلو

بار که از خارج بشهر می آید نرود و بعد از آنکه وارد شهر

گردد موافق نرخ وقت هر کس بخواهد خریداری نماید

و نیز در روزهای شهر اقرار شده است که وقت

طلوع آفتاب بازار نماید و یک ساعت که از غروب آفتاب

گذشت ببنند و چمنین در سایر مواد و آرائی محکم

داده شده و عالیجاه میرزا اسمعیل خان پیشکار

انولایت نهایت دقت و اهتمام حسب احکام در نظم

امور ولایت و رفاه حال رعیت و رسیدگی محکم

دیوانی دارد

دیگر نوشته بودند که در این اوقات خانوالیای

از کولان که در خنوق بودند از آنجا حرکت کرده اند

که آمده در ظل عاطفت این دولت قوی مکتب بسر بردند

باشند ترکمانان که سر راه بانها گرفته بودند که در

آنجا آنها را نگاهداری نمایند مقرب الخاقان جعفر قلیخان

ایلیخانلی بمحض استماع خود با سواره استرآبادی و کمانی

شادلو و نواب جهانسور میرزا سیرتپ فوج عرب و

۱۷۲۴

۷

عالیجاه مرتضی قلیخان سرمنگ از استرآباد بدون
فوج حرکت کرده و سواره و جمیع از بجنورد و جوبن
نیز فرستاده خبر نموده که بجلو طایفه کوکلان رفته
انهارا بکمرکان رسانند و طایفه که را نیز کوشالی
باشند

و بیکر نوشته اند که نقاره خانه استرآباد درین سنه
خراب و متروک شده بود چون انولایت سرحد
و نقاره خانه لازم دارد در این اوقات عالیجاه میرزا
اسمعیل خان بیگار حسب احکام مقرب انخاقان الیچانی در
صد و ساختن نقاره خانه و انجام عمل بسیار کار
ان برآمده بزودی و خوبی صورت آتام یافته و نقاره
و سایر عملیات آن شخص کرده و بده مانند سایر
خمالک محروسه منکام طلوع و غروب آفتاب در
میباشند

دیکر نوشته اند که در ماه گذشته جمادی الثانی
و دوازده نفر اسیر از میان ترکمان متخلص شده
نیز و مقرب انخاقان الیچانی آمدند و
اسد ابا و واصف همان
ازین ولایت نیز در این ایام جاری بود
لبطام

از قراریکه در روزنامه لبطام نوشته اند عالیجاه
مقرب انخاقان جعفر علیخان حاکم شاهرود و لبطام
در انتظام امور طرق و شوارع و گذراندن زوار
و مترودین سلامت از منازل مخوف ریاده اهتمام
در این اوقات که لشکرا را می حامل خزانه و رسم
شده اند همه جا با نهایت انتظام و حسن سلوک حرکت

که وجه موجب افواج کرده سی را چهره در عبور از آنجا
عالیجاه مشارالیه سواره مسرا راه آنها نموده و از
منازل مخوف گذراند و قیصر رسید از آنجا گرفته
و عمود زوار و مترودین از اتهام عالیجاه مشارالیه
لوازم حفظ و حراست آنها و منازل مترودین کمال
دارند

دیکر تعبیر اجناس آنجا را که نوشته بودند با اسکی
همیشه عبور زوار و قوافل از خمالک محروسه با رضایت
از آنجا زیاد میشود بار سجد الله از جنس کولات
در شاهرود و لبطام کمال و خوروار زانی را دارد
از خرواری و دولمان تا مسجد هزار و جو خرواری
بعده هزار و برنج و سایر اجناس نیز باین
ذوخته میشود

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند نهایت
ارزانی و فراوانی و وفور نعمت در آن ولایت حاصل
و عموم مالی و سکنه آنجا در حال آسودگی و فراغت
بشکل و کار خود و در حال کوفی ذات آسودگی همان
شایسته ای اشتغال دارند و از منازل عرض راه خراسان
که نوشته بودند همه جا نهایت امنیت را دارد و زوار
و مترودین در کمال آسودگی و اطمینان عبور و مرور
می نمایند توپخانه توپچی ابوالحسنی عالیجاه اللهوردخان
سرمنگ توپخانه مبارک که دافواج مخبران شتاقی و هم
و سواره چهاردولی که از در بارگاهون روانه خراسان
شده اند همه جا با نهایت انتظام و حسن سلوک حرکت

۱۷۲۵

کرده اند و بهیچوجه خلاف حسابی از آنها صادر نشده
و صاحب منصبان مراقبت تمام داشته اند ایجاب
اگر تابینسی هر کتب جزئی خلاف حسابی می شده است اور
تبعیه نظامی معقول بیکرده اند و مالی منازل عرض
راه و سایر متددین نهایت رضامندی از آنها
داشته اند

حمت و سمنان و عراق ازین ولایات نیز اخباری بنود

فارس

از قرار یک در روزنامه فارس نوشته اند بواسطه
استطاب موید الله و له حکمران فارس در نظام
امر ولایت و حصول موجبات رفاه و آسودگی توک
و رعیت کمال مراقبت و اهتمام دارند و عموم مالی
انولایت در عین فراغت و آسودگی هر کس بکار
و شغل خود مشغول اند

سابقا غرس درخت توت و بلبل آوردن ابریشم
در ولایت فارس معمول بوده است در این اوقات
که سنکام غرس اشجار بود نوشته اند که مقرب انخافان
شجاع الملک برای خود باغ درخت توت غرس کرده
و قدغن نمود سبجه آبادی ولایت و در جمیع بلوکات
نیر توت بکارند و ابریشم ببل میاورند و چنانچه در
و از انخلاف طهران و اغلب ممالک محروسه ببل آوردن
بسیاری از مسووعات و غیره معمول بود بعد که دست
از پی بردند دیدند بسیار خوب ببل آمد آمدند
ببل آوردن ابریشم نیز در ولایت فارس رایج

بیکرد و خوب ببل آمده رعایا و مالی آنها ازین منفعت
حاصل ما و فواید آن باید دولت علیه نیز شود
دیگر نوشته اند که چون در این اوقات او آخر نوشته
بود لوایب موید الله و له مقرر داشتند که مقرب انخافان
شیر الملک و مستوفیان فارس در دفتر خانه انخافان
نشسته بمجامله سنده توشقان ببل رسیدگی نمایند
و مشخص کنند که تخواه مالیات دیوان اعلی در هر
محل و نزد هر مؤدی چه باقی مانده است تا دریافت شود

دیگر نوشته اند که مقرب انخافان مصطفی قلیخان میر خج
که با دو فوج از دربار محلت دارهایون مامور فارس
شده بود بعد از ورود و بشیر از شرفیاب خدمت
نواب موید الله و له گردیده و نواب معزی الیه کمال
المغاث را با او کرده و او را مخلص نموده اند و روز
دیگر سر باز او را بجمع مقرب انخافان مشار الیه در میدان
در باب خانه حاضر کرده و دیده صف نظامی کشیده اند و
نواب معزی الیه سبجه ملاحظه آنها میدان مر نور آمده
ملاحظه مشق و آراستگی و انتظام آنها را نمودند و
صاحب منصبان آنها مورد المغاث گردیدند
و از قرار مذکور در منازل عرض راه نیز ممالک معقولیت سبک
رقهار کرده اند و هم در آن اوقات مقرب انخافان حاجی ام
تجهه تمشیت و انتظام صفحات دشتستان و بند را بوشهر
حسب الامر روانه و سیصد نفر از سرباز قراکوز لوائ
نیز همراه خود برده است
از سایر ولایات اخبار است در هفت آینده نوشته میشود

۱۷۲۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور مطابق سی و دوم شهریور قمری ۱۳۲۲

مزه حلیت و مفا

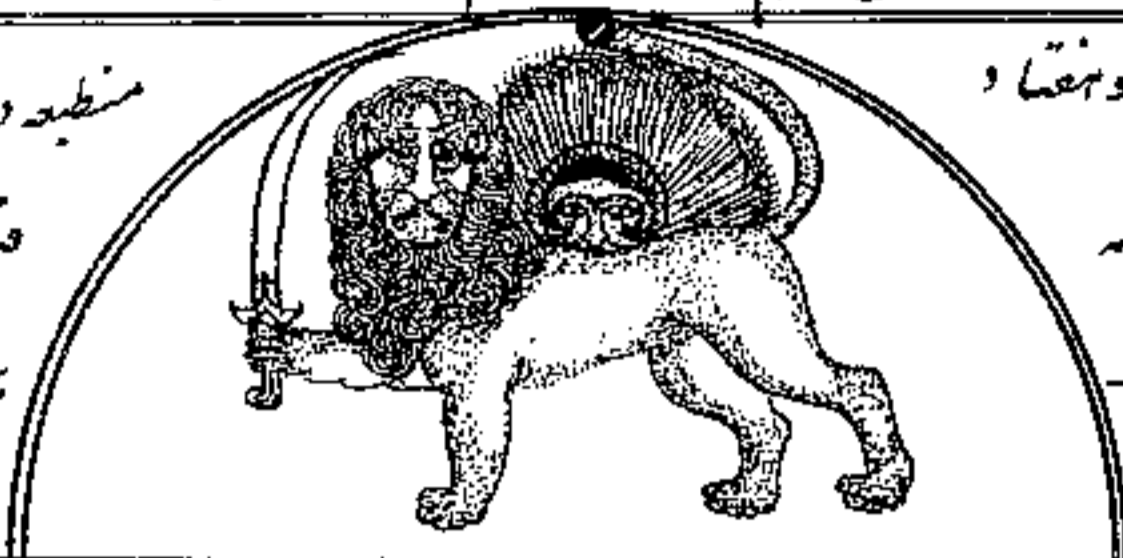
قیمت روزنامه

هر نسخه شش

منطبقه دارانخلا فطهران

قیمت اعلانات

هر خط پنجاه



اخبار و اخبار مالک محروسه پادشاهی

دارانخلا فطهران

در این اوقات که ایام گردش عید نوروز سلطنت جاگران در بارها یون و مقربان دولت قوی شوکت ابد مقرون مرخص و مشغول دید و بازدید یکدیگر میباشند هوای دارانخلا فطهران بسبب بارندگیهای کامل متوالی که در ایام قبل از عید و بعد از عید وقوع یافت کمال ملایمت و اعتدال را دارد باین و اراضی اطراف همه سبز و خرم و با نهایت نزهت و حضرت و صفایا شدند و نزول رحمت الهی تاکنون که اقصای وقت و موسم و مطلوب اعلی و اودانی از اهل زراعت و غیره و دلیل ارزانی و فراوانی درین سال فرخنده فال است بجا که در دارانخلا فطهران شده است و هر روز نیز هوا ابر و مستعد بارندگی است و کما بیش بارندگی میشود و عموماً این معنی که علامت تفضلات الهی است سکرگزار و دعاگوی دوام دولت قوی شوکت ابد در پادشاهی

در روز دوشنبه که شش غلام خط خوبی هوا و صفا و حرمی اطراف اعلی حضرت قوی شوکت پادشاهی غنیمت تفریح قصر قاجار را نموده سوار شدند و شرف و زینای باغ مزبور گردیده تا هنگام عصر تفریح و شادی انجام مشغول بودند نزدیک غروب آفتاب با یکدیگر سلطان محبت فرمودند
از آنجا که مقربانخاقان فرخ خان در مراسم گذاری حسن کفایت و درایت خود در خاکپایی با یون کار اعلی حضرت قدرت شایسته جلوه نمودند داده اند مخصوصاً در باغ یک کلبه تزیینت خرابیها را در میان مقرر و سایر امور فرمودند
نظر بحسن خدمت و مراتب شایستگی و قابلیت معرفت آنخاقان
چراغعلی خان که در هر جا حکومت کرده مردم آنجا را از حسن سلوک خود راضی داشت لهذا دولت علیه حکومت حضرت را مقربانخاقان را به رحمت نموده حکم باحضار او فرمودند که از شاپور و دو بیظام آمده بکامت حضرت برود و امور آنولایت را عظم بدارد

۱۷۲۷

ارشا گردان علم هندسه دارالفنون بعضی در روزنامه بعد گذشته نوشته شد باقی آنها و سایر معلمان و متعلمین که در حضور مبارک امتحان شدند بموجب تقصیر ذیل است

میرزا علی ولد عالیشان آقا غلامعلی صاحب نشان بود در این امتحان مستحق نشان مس شده و پنج تومان انعام در حق او مرحمت گردید

میرزا فرج الله ولد آقا غلامعلی در امتحان اول صاحب نشان مس بود در امتحان ثانی چون ترقی نموده بود نشان او گرفته شد در این امتحان ترقی کرده مستحق نشان مس گردید و پنج تومان انعام با مرحمت شد

ذوالفقار خان غلامسبح صاحب نشان بود در این امتحان مستحق نشان مس شده و پنج تومان انعام با و مرحمت گردید

مرتبۀ دوم

سجفعلی خان ولد مرحوم عباسعلی خان ایروانی در این امتحان که امتحان اول او بود مستحق نشان شد چون پریشان بود بیت و پنج تومان برنچاه تو مان بموجب سابقش افزوده شد

زردشت خان ولد مرحوم عباسعلی خان ایروانی در این امتحان که امتحان اول او بود مستحق نشان مس شده و بیت و پنج تومان برنچاه تو مان بموجب سابقش بملاحظه پریشانی او افزوده شد

میرزا محمد تائبی صاحب نشان و موجب نبود در این امتحان مستحق نشان مس شده و سی تومان انعام در حق او مرحمت گردید

محمد حسین خان ولد عالیچاه محمد حسن خان نایب نشان با شی چون تازه بدرسه آمده بود مستحق نشان شد بیت تو مان بموجب در حق او برقرار گردید

میرزا محمد ولد شیخ صالح چون تازه بدرسه آمده بود مستحق نشان شد بیت تو مان بموجب در حق او برقرار گردید

مرتبۀ سیم که در شهر شوال بدرسه آمده اند و مستحق نشان و موجب شده اند بعد قرار آنها داده خواهد شد

میرزا حسن برادر زاده مرحوم میرزا حسن منسوب حکیم الهی فاضل خان نوری

بابا خان ولد سعید حسن خان زین العابدین خان ولد نور محمد فیروز کوهی که صد تو مان بموجب دارد

میرزا احمدی ولد میرزا آسراف میرزا رضا ولد ایضا

اسمعیل میرزا ولد لیکادوس برادر محمد خان ولد محمد زماخان قاجار

هدایت خان ولد محمد علی خان قاجار

افغانی در حق او مرحمت گردید

۱۷۲۸

موسیقی کریشیس معلم توپخانه شاکردان خود را خوب تربیت نموده و از عهد لغت خود برآمد و کلمات سرسکی از مرتبه دوم و کلمات شال ترمه با دم کردید فقرات لغت او در سال گذشته که بعد از مبارک رسید یک فقره لغت او این بود که نظر از شاکردان اول خود را تا یکسال در علم و عمل توپخانه و علمی که متعلق به توپخانه است با هر و کامل کند در این معلوم شد که علوم متعمده خود را بشاکردان اول خود تمام آموخته است و دوازده نفر از شاکردان او تا سال علاوه بر علم و عمل توپخانه هم فارغ التحصیل خواهند بود و شش نفر دیگر از شاکردان قدیم او نیز تا او سال آینده علم و عمل آنها تمام خواهد شد و بیت نظر شاکردان جدید که مدرس آه و اند نیز مراقب مواظب درس و مشق آنها است و در مضامین خود در آرد و فقره دیگر از لغت او این بود که کتب علم توپخانه نوشته که ترجمه کرده با سه ما نیند بر حسب لغت خود کتبی را که شاکردان درس داده است از حساب هندسه و مثلثات و سطح و جبر افعال و جبر افعال هندسی و علم توپخانه و علم حیک توپخانه و غیره همه را نوشته و عالیجا میرزا زکی یا ور توپخانه ترجمه نموده و با سه و ولتی داده اند و مشغول با سه کردن آن هستند که از علم حکمت طبیعی مباحث نوز و حرارت و خرج الماس و معانیس و علم مناظر و مرابرا هم شاکردان اول خود تا یکسال با موزد و شاکردان مرتبه دوم هم جرا و مرتبه سیم علم هندسه و حساب آموخته و در تعلیم آنها

غفلت و کوتاهی کند و اسامی شاکردان او با تعیین بر او و اضافی مواجب و انعام و نشان بدین تفصیل است

اضافه مواجب	انعام
۱۰۰ تومان	۱۰۰ تومان
۱۰۰ تومان	۱۰۰ تومان
۱۰۰ تومان	۱۰۰ تومان
۱۰۰ تومان	۱۰۰ تومان
۱۰۰ تومان	۱۰۰ تومان

شاکردان تمام شاکردان در آخرین سال فارغ التحصیل خواهند شد

مرتبه اول

محمد صادق خان ولد عالیجا حسین خان قاجار از اصحاب اول صاحب نشان سربود در امتحان ثانی مامور ترز شد حاضر بود در این امتحان سعی کرده خود را برتیب اول رسانید و چون خوب ترقی کرده بود مستحق نشان طلا شد و پنجاه تومان بر دویت تومان مواجب بقرس افزوده

سیر افضل الله ولد عالیجا میرزا محمد حسین دامغانی صاحب نشان نقره بود چون در این امتحان ترقی کرده مستحق نشان طلا شد و پنجاه تومان بر هشت تومان مواجب بقرس افزوده کردید

مصطفی قلیخان ولد عالیجا مرتضی قلیخان نوری صاحب نشان نقره بود چون در این امتحان خوب ترقی کرده بود مستحق نشان طلا گردید و پنجاه تومان بر هشت تومان مواجب بقرس افزوده شد

محمد حسن خان ولد امیرالامرا العظام سپهسالار صاحب نشان

۱۷۲۹

۲

نقره بود و از شاگردان مرتبه اول دو ماه قبل
ماهر کرمان شده سجدت افتخار مشارالیه مکتوبه نشان
ملا مرتضی که سجدت مشارالیه مرسول شود

میرزا فتح الدوله مقرب نجفان نصیر الملک صاحب نشان
مس بود و مرخص بود معروض امتحان نیامد بعد بر
آمد و امتحان کردیده مستحق نشان نقره شد و چهل
تومان مواجب خود باقی است ده تومان انعام با در
کردید

مرتبه دوم

درجه اول
عالیجاه محمد حسن خان مقدم صاحب نشان نقره بود
امتحان صاحب نشان مطلقا کرده و باز زده تومان
برده و بیست تومان مواجب بنفس افزوده

ابو طالب خان ولد عالیجاه شاهر باشی از امتحان
اول صاحب نشان مس بود در امتحان ثانی چون
ترقی کرده بود نشان او گرفته شد در این امتحان
مستحق نشان مس شد و سجدت و لکرمی او ده تومان بر
چهل تومان مواجب بنفس افزوده کردید

محمد رضا خان ولد عالیجاه بهرامخان قراقرز صاحب
نشان مس بود در این امتحان خوب ترقی کرده بود مستحق
نشان مطلقا شد و بیست و پنج تومان بر چهل تومان مواجب
سابق او افزوده کردید

درجه دوم

عباسعلیخان دینی ولد سلیمانخان صاحب نشان بود
در این امتحان نیز ترقی کرده بود و التعمانی در حق
اوست و سجدت تبیه او مقرر شد که دو روز در راه
باشد

سجده علی خان ولد عالیخان شاهرخ نیک صاحب
نشان مس بود در این امتحان ترقی کرده مستحق التعمانی
شده بهان پنجاه تومان مواجب سابق خود باقی است
شده

محمد آقا ولد قاپوچی باشی صاحب نشان نبود مستحق نشان
مس شده ده تومان بر چهل تومان مواجب سابق او
افزوده کردید

قاسم میرزا ولد مرحوم فتح الدوله میرزا صاحب نشان
مس بود در این امتحان خوب ترقی کرده بود مستحق
نشان نقره شد و بیست تومان برشتاد تومان
مواجب سابق او افزوده کردید

ابوالقاسم خان ولد عالیجاه ابوالفتح خان دینی
صاحب نشان نبود مستحق نشان مس شده ده تومان
سی تومان مواجب سابق او علاوه کرده

محمد تقی خان ولد عالیجاه محمد حسن خان مقدم صاحب
نشان بود چون خوب ترقی کرده بود مستحق نشان نقره شد
و بیست تومان بر سی تومان مواجب بنفس افزوده کردید

محمد مهدی میرزا اولاد مرحوم اردشیر میرزا صاحب نشان
بود و مستحق نشان شده ده تومان سجدت تئوین با و مرتضی

۵

مرتبہ دوم

میرزا عبد الرحیم ولد عالیجاہ میرزا عفا خان نایب وزارت خارجہ در این امتحان که امتحان اول است مستحق نشان مس کر دیده و بیت پنج تومان جواب در حق او برقرار شد

نصرت خان ولد مرحوم خدا داد خان کرجی در این امتحان که امتحان اول است مستحق نشان شده توان بجهت شوق او حجت کر دید

شاکردان جدید

جدید شاکردان جدید

مرتبہ اول
محمد حسین خان میرزا عبد اللہ لورکا که حد فانی بود

محمد خان ولد محمد علی میرزا ادریس
محمد علی خان ولد میرزا ادریس
محمد علی خان ولد میرزا ادریس

محمد علی خان ولد میرزا ادریس
محمد علی خان ولد میرزا ادریس

محمد علی خان ولد میرزا ادریس
محمد علی خان ولد میرزا ادریس

محمد علی خان ولد میرزا ادریس
محمد علی خان ولد میرزا ادریس

محمد علی خان ولد میرزا ادریس
محمد علی خان ولد میرزا ادریس

میرزا عبد الرحیم ولد عالیجاہ میرزا عفا خان نایب وزارت خارجہ در این امتحان که امتحان اول است مستحق نشان مس کر دیده و بیت پنج تومان جواب در حق او برقرار شد

نصرت خان ولد مرحوم خدا داد خان کرجی در این امتحان که امتحان اول است مستحق نشان شده توان بجهت شوق او حجت کر دید

جدید شاکردان جدید

مرتبہ اول
محمد حسین خان میرزا عبد اللہ لورکا که حد فانی بود

محمد خان ولد محمد علی میرزا ادریس
محمد علی خان ولد میرزا ادریس
محمد علی خان ولد میرزا ادریس

محمد علی خان ولد میرزا ادریس
محمد علی خان ولد میرزا ادریس

محمد علی خان ولد میرزا ادریس
محمد علی خان ولد میرزا ادریس

محمد علی خان ولد میرزا ادریس
محمد علی خان ولد میرزا ادریس

محمد علی خان ولد میرزا ادریس
محمد علی خان ولد میرزا ادریس

۱۷۳۱

سارولایات
ازربایجان و استرآباد و استراباد
ازین ولایات در این معینه اخباری بنود

اصفهان
از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند از اتمام
نوائب مستطاب نهاده والایات حضرت آید
حکمران اصفهان کمال امنیت و انتظام در امور کما
ورعایا و بر ایام عاکونی ذات احدس همایون
دارند و نواب معزی الیه بحرینی و کفی امورات
تمام دارند از جمله اهل نظام از توپچی و سرباز و جنس
انها همه روز حسب احکام نواب معزنی الیه در
مشق حاضر شده مشغول مشق میباشند و صاحب
کمال مراقبت را در مشق و انتظام امر آنها دارند و امور
و اولیای شهر و حفظ و حر است طرق و شوارع
منظم و مضبوط است

دیگر نوشته بودند که عالیجاه جعفر قلیخان سرنیک
که باشش عزاده توب و توپچی از دربار همایون
فارس بود و وارد آنجا گردیده و نواب معزی الیه
جان اوقات در خارج شهر بوده اند خود با عیال و
انها رسیدگی نموده و انعام در حق آنها مبذول
و همچنین فوج خاصه شریفه نیز که مامور فارس بود
با آنجا وارد گردیده و نواب معزی الیه در قریه
خارج شهر ملاحظه آنها تشریف فرما شده و رسیدگی
با عیال و اولاد آنها نموده و در حق آنها نیز انعام داده
مقتضی المرام روانه معصده شده اند

دیگر در عشر اول شهر حسب سرباز جمعی عالیجاه نصر الله خان
سرتیب افواج کلپا کجانی را نواب معزنی الیه در عتبات
چهل ستون مدقت رسیدگی نموده سان دیده اند
چون سربازان مشار الیه در کمال راستگی و انتظام
بوده اند خود او را یک ثوب قبای زر و وزنی نظام
مخلع و صاحب مصیبتان را مورد نوازش و التفات
نموده اند

بروجرد
از قراریکه در روزنامه انولایت نوشته اند نواب
جلال الدین میرزا نایب الحکومه لرستان سابقا قرار بود که
که بکر مسیرات رفته در خدمت توفیق ناید چون او احد
در مادیان رود که سه منتری خرم آباد و تجمعی ایلات
نزدیک است توفیق کرد به مشغول وصول بقایای
توشکان نیل بوده اند و عسوم کوکرا آنجا در اردوی
نواب معزی الیه حاضر و ترصد انجام خدات دیوانی
بوده و تمامی توشکانان و خویین و ریش سفیدان خصوصاً
عالیجاه عبد العلی خان و پسران و وابستگان مشار الیه
در اردوی نواب معزی الیه با کمال صداقت مشغول
مباشند و در اردوی نواب معزنی الیه از سواره
با جلان و سرباز الو اجمعی عالیجاه جعفر قلیخان سرنیک
خدا بند بود و فوج لرستانی جمعیت کامل بوده است و تمام
لرستانی در کمال امیاری مشغول نگه داری

بسطام و خراسان و سمنان
ازین ولایات نیز درین معینه
اخباری بنود

۱۷۳۲

عراق

از فرار یک در روزنامه عراق نوشته اند این کمال است حاصل است و مردم همه در نهایت کداری و دعاگوئی لیکن از کثرت بارندگیهای وسیل صد بسیار مردم رسیده است در کرا و فرمان دمانی که از رودخانه مشروب شده اند هزار اسب خراب کرده و برزاقها از دست رسانده است و خانهای بسیار از دانات خراب شده بازار و طواغین و خانهای زیاد نیز از شهر سلطان آباد خراب گردیده خصوصاً قنات و قنای سلطان آباد که دو سال بود مقرب الخاقان میر حسن خان حاکم عراق خوب آباد کرده بود در این سال خرابی بسیار شده است

فارس

از فرار یک در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند عالیجاه محمد علیخان سر قیاب فوج قزاق داعی با ابوالکاسمی خود وارد بندر ابوشهر گردیده و عالیجاه میرزا حسنعلیخان دریاپسکی حاکم بندر ابوشهر و مهدیخان سر تنک فوج نهاوندی و علی سلطان و جمعی دیگر تا قریه چاودک باستقبال رفته کمال و احترام را در باره آنها لعل آورده و هزار تومان آنها را در همان منزل داده اند دیگر نوشته بود که فرمان مهملخان مبارک که با عالیجاه میرزا حسنعلیخان دریاپسکی با یک قطعه از نرسیم دویم سیرپسی که از جانب سنی احوال

لوکانه رحمت شده بود در ۱۹ ماه جمادی الثانی با سنجاپرتو وصول انگذد و عالیجاه شارالیه با اعیان و معارف آنها و صاحب منصبان نظام لوازم استقبال و توقیر و احترام را لعل آورده اجرائی است و صرف شربت و شیرینی کرده و بشهر مرآت و عالی آبخا ازین نوع رحمت سرکار اقدس شاهان شاهنشاهی و اولیای دولت علیه در باره عالیجاه شارالیه کمال حسنی بگریز داشته اند قزوین و قسم و کاشان و کردستان ازین ولایات نیز درین هفته اخباری بود

کرمانشاهان

از فرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته بود در روز پنجشنبه که روز عید مولود جناب امیرالمومنین صلوات الله وسلامه علیه در روز تحویل شمس برج عجل بود نواب مستطاب عماد الله و له حکم ان کرمانشاهان با حضور علما و اعراف و اعیان و مهران و صاحب منصبان نظام و خوانین عظام انعقاد مجلس سلام داده و لوازم جشن و شادمانی عیدین سعیدین را لعل آوردند و بنام اعلیحضرت اقدس هالیون شاهنشاهی ملکه و سلطانه خطبه بیخ ادا شده همه اهل مجلس سلام بدعای سلامتی و جود فایض انجود هالیون تقدیم سکرات و شادمانی نموده سلام عید منقضی گردیده است دیگر از فرار یک نوشته بود که بارندگی زیاد در آن شده و چند شبانه روز لایق قطع باران آمده است بطوریکه بعضی ابنیه و عمارات خرابی رسانده است

۱۷۳۳

ولی بجهت زراعت بسیار نافع بوده است و در نزع غلظت بعد
ازین بارندگیها تفاوت کلی بهم رسیده چنانچه کندی

خرداری سیزده هزار و جو خرداری نه هزار بود
پس از وقوع این بارندگیها حال کندی خرداری نه هزار
و جو خرداری پنجاه هزار و روز بروز رو به تنزل است

کرمان

از فرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند امور انولایت
بهر جهت قریب انتظام است و رعایا و برابا در عین آسودگی

و فراغت بدعای بقا و سلامتی وجود فایض انجود
اقدس همایون شاهنشاهی اقدام دارند امیر الامرا را

سپه دار از وقتی که وارد انولایت شده هر روز
صنعتی از رعایا را از شهر و بلوک خو استه و بکار

انها رسیدگی کامل نموده و آنها را بوظیفه و لای
عملیه امیدواری داده و هر کس در کمال خرسندی باشد

و کار خود مشغول و قشون متوقف آنجا از سواره و پیاده
مراقب انجام مأموریت خود و خدمات دیوانی باشند

و عالیجاه امامعلی خان سرحد دار بلوچستان با قشون
و مدارکات شایسته مشغول انتظام صفحات بلوچستان
باشند

دیگر نوشته اند که در برنجان که یکی از قرار اقطاع است در
اوقات ضعف یکس کم سه دختر زائیده است چون

مشهور است که اینگونه تولید برای دولت سلطنت سکون
دارد لکن امیر الامرا انتظام سپه دار بشکرانه سلامتی و استقامت

وجود فایض انجود همایون پنجه تومان با ولای اطفال فرموده
انعام حیره و قوس و ماهی چنومان نهاد خود فراده با آنها

کروسی و کیلان و مارندران و ملاپرو
نخاوند ازین ولایات نیز در این مهله اخباری

همدان

از فرار یک در روزنامه همدان نوشته اند مقرب انجان محمد
در اشطام امر ولایت در این اوقات اتمام زیاد دارد و

در دیوانخانه آنجا نشسته بعد از این مردم رسیدگی
دیگر نوشته اند که بارندگیهای زیاد بباد بسیار شدید

اوقات در شهر و بلوکات همدان وقوع یافت بطوریکه
بعضی خانها و دکا کین و کاروانسرا و بازار قیصریه از کثرت باران

و شدت باد خراب شد و دزدان درین مهین وصت یافته
از بعضی خانها اسباب قتل میگرددند از جمله دو نفر دزد

در قریه حصا رنجانه علی کبر نامی رفته درین مهین طفلی در کوهاره بود
بنای کبری میگردد یکی از دزدان کوهاره را با طفل برداشته در

والان خانه گذاشته بود پدر و مادر طفل بیدار شد صدای
طفل اوروالان شنیده مضطربانه بوی صدای طفل بیرون

بمحض بیرون آمدن آنها طاق خانه بسیر دزدان پانزده و مرد
طلاک شده بودند

سرو

در روزنامه همدان نوشته شده بود مقرب انجان محمد یوسف خان
عابون کرده بخارج شهر مکه نمانده است که تاجی بود از فرار یک

نوشته اند جمعی از اعیان و غیر عزیزت زیارت ارض اقدس
در دویم ماه حجاب امیر زاعلیضای صدر العلماء با چند نفر دیگر

از اعیان و خوانین سایر مردم ارکبه و عیبت روانه از من
اقدس شده اند

۱۷۳۴

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم شنبه چهارشنبه شعبان المعظم بن سال لوی سن ۱۲۷۲

منطبعة دار الخلاء طهران

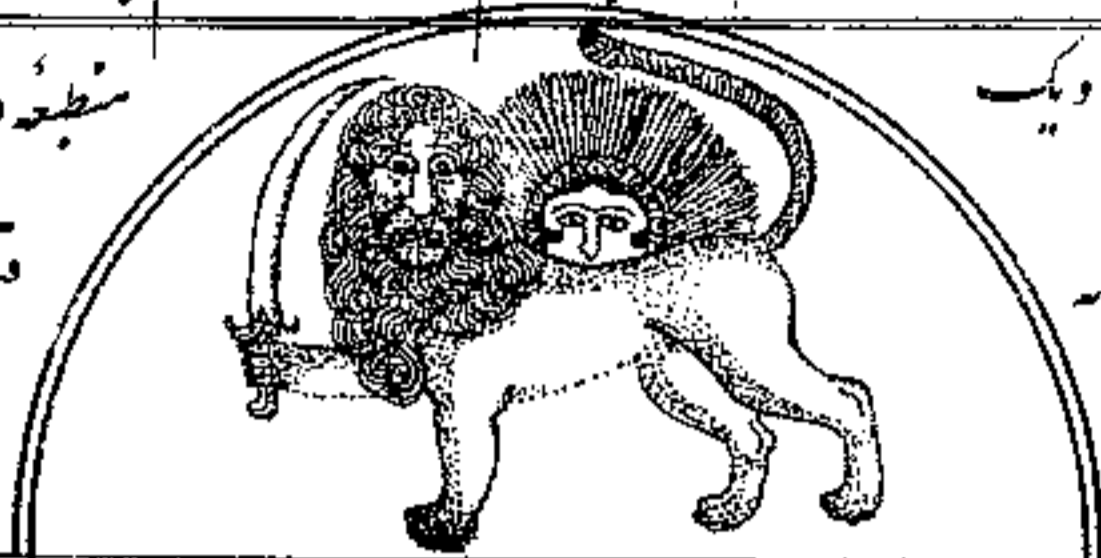
مزه ویت ونگار ویک

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

بهره پرنجی

هر نسخه ده



اجبار و احسد ملک محروسه پادشاهی

دار الخلاء و طهران

در روز شنبه گذشته فوج بزچلو که احضار رکاب حضرت آیتاب عالیون شده بودند در میدان ارک حاضر شده صف نظامی کشیدند و اعلیحضرت اقدس عالیون شاهنشاهی اید الیه حیثه بجهت ملاحظه آنها تشریف فرمای میدان گردیده اجازت و افراد فوج مزبور از حضور مبارک گذشتند بانهایت ارادت و انتظام بودند اجازت فوج و صاحب منصبان آنها مورد تحسین و لواریش و التفات ملوکانه شدند و هم چنین سه فوج قزوین و سواره آنجا نیز که بدر بار معدلت در عالیون احضار شده بودند و در گردیده و در روز چهارشنبه در میدان ارک صف نظامی کشیدند و بعد از تشریف فرمای حضرت اقدس عالیون شاهنشاهی میدان مزبور یکی از حضور مبارک گذشتند و یکی یکی بطرف اترخستره وانی رسیدند و انتظام و ارادت و حرکات نظامی آنها تحسین

و مقبول خاطر ملوکانه افتاده سرنگان و صاحبان جنسین و عموم اجاد و افراد افواج و سواره مورد تحسین و لواریش و التفات گردیده مقرر شد که لگاری عظام تدارک و تهیه آنها را از لنگ و ملوس غنچه در هر چیز که نقص و ناکامی داشته باشند قیمت رسیده و صورت انجام بدهند که به هیچ نامی در اسلحه و اسباب و سایر ملزومات آنها نباشد که حسب احکام روانه محل مأموریت شده باشند با انجام خدمات مرجوعه بجزا بردارند

در روز سه شنبه ۱۳ معتمد در بار شهر ختام مقرب اشفاقان قایم مقام وارد در بار معدلت در گردید اگر چه اعلیحضرت اقدس عالیون شاهنشاهی مقرر فرموده بودند که مستوفیان عظام و صاحبان نظام با استقبال بروند ولی چون غفله و بیخبر وارد شد مردم نتوانستند با استقبال بروند و بعد از ورود شرفیاب خاکپای مبارک شده مورد کمال لواریش و در محنت ملوکانه گردید

۱۷۳۵

چون نواب مستطاب غلام الله و اولاد او با مقلی میرزا حکمران
 کرمانشاهان از حسن کفایت و رعیت داری و مرام
 در خدمتگذاری دیوان قدرشان و انتظام امرا
 و سرحد خاطر اقدس همایون شاهنشاهی صان الله ایام
 دولت عن التسمای و انسای دولت علیه را از خود شنیدند
 و سرور داشته مستوجب جمعی جدید و کمتری تاز
 آمد لهذا در این اوقات با عطای یک قطعه مثال مهر
 همایون مکل با لباس از جانب سنی ایجاب ملوکانه
 قرین بیانات و اعزاز گردید
 نظر بطور مرحمت ملوکانه در باره عالیجاه
 محمد رحیم خان نسیمی باشی و حاکم نهادند حسن
 و کاروانی مشارالیه در نوکری و ولایت دار
 و وصول مایات در این اوقات یک لوب
 جبه ترمه مشاریه خلعت مرحمت شده و از دبا
 همایون مرخص و روانه محل حکومت گردید که رفقه
 قرار امورات نده پسند اولایت را داده
 مدبر با بر معدلت مدار همایون مراحت نماید
 چون سواره خزل نظمی چنانچه باید داشته باشند
 نداشتند اولیای دولت قاهره حسب الاشیاء
 سواره مرلور را نیز ابوجهع عالیجاه مشارالیه
 کرده و سرکردگی آنها را عالیجاه عبد الله خان
 سپرد و محنت و یکطافه مثال و یکثوب قبایم
 خلعت در حق او عنایت گردیده روانه اولایت
 گردید که سواره مرلور را انتظام داده مدارک
 و تهیه آنها را از جهت دیده چهار ماهه برکات

۱۷۳۶

بیاد رود و در حضور مبارکشان بیاید
 چون عالیجاه مقرب الخاقان آقا همیل شکرستان
 سلام در مرآت خدمتگذاری خاصه در سلامها
 اعیاد و غیره خاطر اقدس همایون شاهنشاهی را
 از خود خرسند داشته و طرزیکو خدمتی او در
 پیشگاه حضور مهر ظهور محسن و مقبول افتاده لهذا در این
 اوقات در ازای خدمت سلام عید یکثوب یکجک
 پولک دوز بطانته قائم و یکثوب قبای ماهوت
 خوب از جانب سنی ایجاب ملوکانه با جلعت
 مرحمت گردید
 از فرار اخباری که در این اوقات از حراسان
 باولسای دولت علیه رسید سجد الله کمال اولاد
 و اعیت در اولایت حاصل و عسوم انالی و
 سکنه اولایت در عین رفاه و آسودگی مدعاگو
 ذات اقدس همایون شاهنشاهی خداوند ملکه
 و سلطانه اشتغال دارند و در این اوقات
 جمعیتی از روسا و ریش سفیدان سرخس خدمت
 نواب مستطاب شاهزاده و اولاد تاجر حاسم
 حکمران خراسان آمد معروض داشته بود
 که بهر خدمتی که مامور فرمائید اطاعت کرده منش
 و جان شاری خواسیم نمودن نواب معزنی لیه
 نیز ما بنا اظهار القات زیاد نموده لخواطف
 اولیای دولت علیه امید واری داده و در
 ریش سفیدان سرخس با نهایت خرسندی معاودت
 نموده اند

تفصیل باقی شاکردان علم پیا و نظام سایر مالی دارا

و ده تومان انعام در حق او مرحمت کردید

مرئضی قلیخان ولد حاج محمد اسمعیل خان لوزی صاحب نشان
مس بود مستحق نشان مطلق شده و پنجاه تومان برده

شاکردان مدرس کتبی چون علیجا علیخان
یکم و ده تومان مطلقا با اول بود کرده از مکتب

تومان مواجب سابق او افزوده کردید

موسوی میرزا معلم سواره مدرس نظام تعلیم شاکردان خود و سواره نظام
یکم و ده تومان ترمه با و خلعت مرحمت کردید در سنه هجری

محمد حسن خان ولد مقرب انخافان حاج الدوله صاحب نشان
بود مستحق نشان مطلق شده و شصت تومان بر چهل تومان مواجب سابق او

کرده بود که در شش ماه شاکردان خود را در علم و عمل سواره نظام
قایل ما بر کرده در این امتحان معلوم شد که از عهد تعلیم خود خوب را

افزوده کردید

و شاکردان او در شش ماه پیشتر هم بسیار خوبند و کتاب علم سواره
هم مشغول ترجمه است که در بهار خانه چاپ شود و مخففتر از شاکردان

مرئضی قلی خان ولد مرحوم بهادر الدین آقا صاحب نشان
شده و بیست تومان انعام در حق او مرحمت کردید

مدرس خرد شاکردان او شد که تا شش ماه دیگر آنها را
بر بیست شاکردان اول برساند و اسامی شاکردان او تعیین

میرزا علی اصغر برادر عالیجا میرزا رضای که خدا صاحب
نقده بود مستحق نشان مطلق شده و بیست تومان پنجاه تومان مواجب

مراتب و اضافات مواجب و نشان بدین تفصیلات

سابق او افزوده کردید

مرتب دوم

مصطفی قلیخان ولد عالیجا حاجی حسن خان قاجار صاحب نشان
نقده و پنجاه تومان مواجب آقا سید میرزای کاشانی صاحب

انعام و مواجب نشان نقده

تومان در میر

مرتب اول

علیخان ولد مرحوم محمد زمان خان صاحب نشان مس بود مستحق نشان
شده و بیست تومان بر چهل تومان مواجب قبض افزوده
حیدر قلیخان کمرچی صاحب نشان مس بود مستحق نشان نقده شده و بیست

نشان مس و صد و پنجاه تومان مواجب و علی محمد خان ولد
قاجار صاحب نشان مس و چهل تومان مواجب چون در این امتحان

بر چهل تومان مواجب قبض علاوه مرحمت شد

ترقی نموده بود مستحق القای شده بهان مواجب و
سابق خود بر قرارند

میرزا عیاش الله ولد میرزا آقا زکریا صاحب نشان مس چون در
بود مستحق القای شده بهان پنجاه تومان مواجب سابق

میرزا آقای کاشانی در این امتحان که امتحان اول او مستحق
انعام و اضافات مواجب ده تومان انعام و سیزده تومان بر

مدرس میرزا

آقاخان ولد لیکان صاحب دولت و پنجاه تومان مواجب در ضایق خان ولد

دوازده تومان مواجب سابق و اضافات مرحمت کرد
مرئضی قلیخان اصغری مستحق مواجب و ن صد و بیست و پنجاه تومان مواجب

حیدر قلیخان صاحب دولت و پنجاه تومان مواجب مستحق القای شده بهان مواجب

۱۷۳۷

شاکردان جدید سواره نظام که در علم هندسه و توپخانه و هند
و ترقی نگریه بودند چون در سوار نظام آسانتر بود
شاکردان سوار نظام شدند

میرزا باقر خان نواب
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا

عرض مشارالیه نایب او قرار داده و بجهت افتخار یکمطابقه سال ترمه
در حق او خلعت مرحمت کردید فقرات دیگر تعیین مریضخانه بجهت
شاکردان بود که یک سال بجا وزارت مریضخانه تعیین و شاکردان
هر روز با بنجاقه در محل معالجه کار کرده و خواهند کرد دیگر
ترجمه کتب علم طب و جراحی از اده میفروده و مکتبه و قانون
معالجه و علم و عمل و معرفت نباتات بود که آنهارا هم تمام کرده
کرده و آنچه را آنچه تصحیح میشود با سسه خانه داده شد
مشغول با سسه کردن هستند دیگر تعهد فایع التحصیل کردن
باقی شاکردان قدیم خود را تا آخر سنه جدید و سزیدن مرتبه
شاکردان اول و اهتمام در تعلیم شاکردان جدید که بعد از این
گردید و امی شاکردان و با تعیین هر یک و تشخیص آن واضح
موجب و خلعت و انعام بدین تفصیل است

میرزا باقر نوری
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا
میرزا محمد علی میرزا

۱۷۳۸